

متن پرسش

یک مسئله ای هست که چندین ساله آزارم میدهد و حرکت من رو متوقف کرده. خلاصه اش رو بگم؛ بنده مهندسی میخونم اما بدلیل ورود به زمینه های فرهنگی به فراخور استعدادها و علایق و احساس تکلیف، به این وادی هم تعلق پیدا کردم و این باعث شد نسبت به درسم انگیزه و اهداف سابق کمرنگ تر بشند. در واقع الان در یک تحیر به سر می برم و وقت هم به اندازه در این تحیر هدر شده. که بالاخره باید کدوم راه رو انتخاب کنم؟ ورود تخصصی و علمی و همه جانبه به کار از جنس فرهنگی یا ماندن در میدان علمی و جهاد در راستای تحقق تمدن مادی. هر دو میدان جذابیت های خاص خودش رو داره. از اون مهمتر در هر دو میدان احساس نیاز جامعه و ندای بلند تکلیف، آدمی رو بسمت خودش میکشه. اما من مستاصل مونده ام که به کدامشون لیبیک بگم؟ و این توقف از من زمان های با ارزشی رو تلف کرده و من رو از کسب تخصص و عمق پیدا کردن در هر دو زمینه باز داشته. تابحال مسئولیت های فرهنگی در مسجد و دانشگاه رو هم بعهده داشته ام و خیلی از اطرافیان بنده رو تشویق به این کار میکنند. در حالی که به رشته تحصیلم هم علاقه مندم و با اینکه این توقف به درسم لطمه زد اما اساتید و خانواده طبق سوابقی که داشتم من رو به ماندن در این راه تشویق می کنند. گروهی هم می گویند که هر دو را داشته باش. یعنی فعالیت علمی را بصورت اصل پی گیری کن و در کنارش کار فرهنگی انجام بده. در ضمن ب فکر روزی هم باش. واقعا این امر من رو آزار داده تابحال نمی دونم باید چه چیزی رو ملاک قرار بدم. یک روز به اهمیت کار اقتصادی و علمی می رسم و یک روز دغدغه ی فرهنگ آروم نمی گذاره. و می ترسم نکنه راهی رو انتخاب کنم که پس از چند سال احساس پشیمانی داشته باشم از طی اون و اینکه چرا آن استعداد یا آن تکلیف رو پی نگرفتم در حالی که می تونستم بسیار موفق بشم توش. باید چه کرد؟ معیار چیه؟ تکلیف یا علاقه یا استعداد یا ضرورت؟ حتی برهه ای به فکر حوزه افتادم و اینکه طلبه بشم و زندگی علمی رو آغاز کنم. دنبال چی باید باشم؟ لطفا راهنماییم بفرمایید.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: می توانید در هر دو موضوع به خوبی جلو بروید ولی از آن جایی که کم اند افرادی که با فضای دانشگاهی علاقه مند به حضور در حوزه باشند؛ اگر بتوانید دل خود را یکدله کنید و با جدیت به حوزه رجوع نمایید با توجه به روحیهی دانشگاهی که دارید، بیشتر مؤثر خواهید بود. موفق باشید

